



دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

گروه زبان و ادبیات فارسی

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان

بررسی ، تحلیل و معرفی حماسه های دینی

(گشتاسب نامه ، حمله حیدری ، خاوران نامه ، شاهد نامه)

استاد راهنما

دکتر محمد مهدی پور

استاد مشاور

دکتر چنگیز مولایی

پژوهشگر

حیدر اکبرزاده

فروردین ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم بہ

پدرم و مادرم

و

پندرہ سالہ عزیزم

سپاس

سپاس فراوان از تمامی کسانی که به هر نحوی مرادبخارش این پیماننامه یاری نمودند. از جمله همسر عزیزم که با صبر و سکینایی بی نظیر خود در طی دوران تحصیل دوره کارشناسی ارشد و بخارش رساله ام مرادپیون خود نموده است. و شکر از اساتید کرامی و ادب دوستی که در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد، برای تعلیم ادبیات زندگی برایم از جان، مایه گذاشتند. اساتید عزیز و کرامی ام: خانم دکتر فاطمه مدرس استاد عشق و عرفان، دکتر رحیم کوششی استاد تلاش و تحصیل، دکتر علیرضا مظفری استاد ادب، دکتر اسدالله واحد اسوه نظم، ادب و ادبیات، دکتر چکنیز مولایی استاد دانش، دکتر پویای عزیز که علاقه و عشق به ادبیات، با سخنگیری ایشان عجبین بود و دکتر مهدی پور که سادگی و خلوص نیت را برایم تعریف کردند.

نام خانوادگی : اکبرزاده	نام: حیدر
عنوان رساله: بررسی ، تحلیل و معرفی حماسه های دینی (گشتاسب نامه ، حمله حیدری ، خاوران نامه ، شاهد نامه)	
استاد راهنما: دکتر محمد مهدی پور استاد مشاور: دکتر چنگیز مولایی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته : زبان و ادبیات فارسی گرایش: محض دانشگاه: تبریز دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی تاریخ فارغ التحصیلی: فروردین ۱۳۹۰ تعداد صفحه: 187	
کلید واژه: اسطوره، حماسه، حماسه دینی	
<p>چکیده: ادبیات حماسی، یکی از گسترده ترین حوزه های ادبیات فارسی محسوب می شود. آثار بسیار ارزنده و گرانقدری در این حوزه آفریده شده اند و به جرأت می توان گفت یکی از بخش های قوی و موفق ادبیات فارسی همین ادبیات حماسی است. موفقیت این نوع از انواع ادبی از آن روست که آثاری چون شاهنامه فردوسی سرسلسله و راه مبین حماسه سرایان است. شاهنامه در واقع پایه گذار تمامی آثاری گشت که بعد از آن به وجود آمدند. هرچند دوره حماسه سرایی ملی - میهنی در ایران در برهه ای به علل مختلف، دچار رکود شد، اما با ورود دین مبین اسلام، جلوه ی دیگری از حماسه پردازی آغاز گشت و حماسه سرایان ایرانی از حوزه ملی - میهنی به بخش مذهبی و گاه ملی - مذهبی روی آوردند. مضمون و متن این حماسه ها دیگر جنگاوری ها و دلیری های پهلوانان، صرفا برای پاسداشت مام میهن نبود، قهرمانان حماسه ها به شخصیت های مذهبی محبوب و معصومی تبدیل شدند که برای برپایی و صیانت، از پرچم اسلام، پا به میدان های نبرد می گذاشتند. در این میان شاعران حماسه سرا، تمامی دانسته های خود در حوزه حماسه سرایی را که از اساطیری مانند فردوسی و دقیقی به وام گرفته بودند، در بخش حماسه سرایی دینی - مذهبی به کار بردند، که در مواقعی نیز بسیار موفق و پیروز گشتند.</p>	

دقیقی به عنوان اولین شاعری که اثری حماسی - دینی از او به جای مانده، در ادبیات فارسی شناخته شده است که در واقع راهگشای فردوسی برای سرودن شاهنامه اش به شمار می رود. ابن حسام خوشفی یکی از شاعران پیشتاز و تأثیرگذار حماسه سرایی دینی، در ادبیات بعد از اسلام می باشد. ولی موفق تر از او شاعر حماسه سرای دینی دیگر، ملا بمانعلی راجی کرمانی است که منظومه حمله حیدری اش بهترین اثر در این حوزه به شمار می رود. در ادبیات انقلاب نیز، با تحمیل شدن هشت سال جنگ نابرابر، بر علیه مردم ایران اسلامی، قابلیت های بسیار فراوانی برای آفرینش صحنه ها و اعمال حماسی، به وجود آمد و با حماسه آفرینی های مردان اسلام در جبهه ها، این قابلیت ها به واقعیت ها مبدل شدند. سرتیپ بهمن کرمی نیز با به شعر کشیدن این حماسه سازی ها، قدمی تازه در حوزه حماسه سرایی دینی برداشت که از ارزش بالا و قابل تأملی برخوردار است.

با بررسی این آثار به این نتیجه می رسیم که برای حماسه سازی و حماسه سرایی نقطه ی آغاز و پایان مشخصی نمی توان قائل شد، برخلاف آن چه در برخی از کتب ادبی گفته شده است، هر ملتی در هر زمانی می تواند زایشی دوباره داشته باشد و این زایش ها در هر دوره، با وجود شاعری خوش قریحه و حماسه پرداز، می توانند به عنوان یک حماسه بزرگ، به تصویر کشیده شوند.

فهرست مطالب.....صفحه

درآمد	Error! Bookmark not defined.
شناخت اسطوره و حماسه	۱
تعریف اسطوره	۱
جهان بینی اسطوره ای	۲
اقسام اسطوره	۳
ویژگی اساطیر	۳
فلسفه وجودی اساطیر	۴
زبان اسطوره	۵
ماخذ اسطوره	۶
اسطوره مشترک در نژاد هند و ایرانی	۶
راز بقای اساطیر	۷
تفاوت تاریخ و اسطوره	۷
رابطه حماسه و اسطوره	۸
حماسه و شعر حماسی	۹
منشأ حماسه	۱۰
ویژگی های آثار حماسی	۱۱
اصول حوادث حماسی	۱۲
ویژگی مشترک حماسه ها	۱۳
تفاوت تراژدی و حماسه	۱۳
سابقه ایرانیان در حماسه سازی	۱۴
پیدایش درونمایه حماسه ایرانی	۱۴

انتقال دهندگان روایات حماسی	۱۵
اعراب و حماسه	۱۷
انواع حماسه	۱۹

فصل اول: گشتاسپ نامه

معرفی گشتاسپ نامه	۲۶
یادگار زریر	۲۸
روایت یادگار زریران و ثعالبی	۳۰
آیین و سنن	۳۱
گشتاسپ در یادگار زریران و شاهنامه؛	۳۲
و دین به کوشش او پایداری یافت؛	۳۴
کی گشتاسپ در روایات ملی؛	۴۵
سبک شناسی دقیقی؛	۵۳
الف) نقد جنبه های صوری:	۶۱
وزن:	۶۱
قافیه و ردیف:	۶۲
ب) نقد جنبه های معنوی :	۶۲
تشبیه :	۶۲
استعاره:	۶۳
کنایه:	۶۳
اغراق:	۶۳

ج) جنبه های لفظی (کاربرد آرایه های لفظی) ۶۳

تکرار ۶۳

مراعات النظیر: ۶۴

د) نقد محتوا (جنبه های داستانی) ۶۴

فصل دوم: خاوران نامه

حماسه در اسلام ۶۶

ابن حسام خوسفی ۶۸

آثار ابن حسام ۷۶

دیوان اشعار: ۷۶

نثر الالکی: ۷۷

دیوان النبوة و نسب نامه: ۷۷

خاوران نامه: ۷۷

سبک شناسی ابن حسام خوسفی ۸۲

اوضاع دین در عصر تیموری ۸۳

رویای صادق ۸۷

نقد خاوران نامه ۹۰

فصل سوم: حمله حیدری

۹۸	راجی کرمانی
۹۹	آثار راجی
۹۹	حمله حیدری و پیشینه منظومه‌های مذهبی
۱۰۱	حمله یا حمله حیدری راجی
۱۰۲	ویژگی‌های کتاب حمله راجی
۱۰۳	خلاصه داستان حضرت قاسم (ع) در حمله حیدری
۱۰۴	ویژگی‌های حماسی حمله حیدری و داستان حضرت قاسم
۱۰۵	اطاعت و دلاوری
۱۰۶	نام خواهی و نام پوشی:
۱۰۷	مرگ سرافرازانه (شهادت)
۱۰۸	مفاخره و رجز خوانی
۱۰۹	کین خواهی و انتقام
۱۰۹	تکبیر
۱۱۰	بزم و رزم
۱۱۰	توصیف
۱۱۱	واژگان حماسی
۱۱۲	اغراق
۱۱۳	خوارق عادات
۱۱۵	استحکام

۱۱۶	سبک شناسی حمله حیدری
۱۱۶	زبان
۱۱۷	محتوی
۱۱۸	تصویر سازی
۱۲۱	وزن و قافیه حمله حیدری
۱۲۳	ساقی نامه‌های راجی
۱۲۴	مفاخره
۱۲۴	مدح و منقبت
۱۲۵	زهد ریایی:
۱۲۶	مرثیه و کربلائیات:
۱۲۷	تاثیر آیات قران و احادیث در حمله حیدری
۱۲۹	هنر بلاغی راجی
۱۳۰	اطناب و ایجاز
۱۳۱	موسیقی شعر و آرایه‌ها
۱۳۲	فردوسی و راجی
۱۳۶	مقایسه راجی و باذل

فصل چهارم: شامه‌نامه

۱۴۰	ادبیات مقاومت، ادبیات حماسی
-----	-----------------------------

۱۴۷	ویژگیهای ادبیات مقاومت
۱۴۹	مؤلفه های شعر پایداری
۱۵۱	انواع شعر مقاومت
۱۵۲	آینده شعر پایداری:
۱۵۳	نگاهی به ادبیات جنگ و ساختار آن در ایران و جهان
۱۵۳	شعر جنگ:
۱۶۱	شاهد نامه یا پژوهشی از حماسه ی هشت سال دفاع مقدس
۱۶۴	تعریف حماسه و شاهدنامه:
۱۶۹	توحیدیه ها:
۱۷۱	اندیشه ی شاعر:
۱۷۲	ردیف و قافیه:
۱۷۶	اصطلاحات خاص:
۱۷۷	اشاره به عملیات ها:
۱۷۷	اشاره به آیات قرآن کریم:
۱۸۰	منابع؛

درآمد

ما در این رساله به بررسی چهار اثر از حوزه ی حماسه های دینی - مذهبی می پردازیم. حماسه های دینی مورد نظر ما از سه دوره ی متفاوت از لحاظ تاریخی، سیاسی و اجتماعی انتخاب شده اند که طبعاً تفاوت های فراوانی با هم خواهند داشت. - اگرچه همگی تقلید هایی از شاهنامه فردوسی هستند. - بیشترین تلاش ما در این کار معرفی آثار یاد شده می باشد و در این میان به بررسی و تحلیل محتوایی آن ها نیز خواهیم پرداخت. حوزه ی تحقیقاتی موضوع، سه دوره ی مهم را شامل می گردد:

الف) دوره ی قبل از اسلام ؛

که شامل تعدادی معدود از حماسه های مفقود شده است. البته این تعداد در حوزه ی تحقیقاتی ما قرار نمی گیرند. از این دوره ما فقط گشتاسب نامه دقیقی را که در شاهنامه گنجانده شده است، انتخاب کرده ایم. این اثر حماسی - دینی که دقیقی آن را در حدود هزار بیت به رشته ی نظم کشیده است، داستان گرویدن گشتاسب به دین زردشت است که باعث به وقوع پیوستن جنگ هایی خونین میان ایرانیان و تورانیان بر سر آئین زردشتی می شود و نبرد های میان گشتاسب با ارجاسب تورانی شکل می گیرد. اگرچه این هزار بیت از لحاظ ساختاری و عذوبت به پای شاهنامه نمی رسد، اما دقیقی بعد از فردوسی و اسدی بزرگترین حماسه سرای فارسی به شمار می رود.

ب) دوره ی اسلامی ؛

این دوره حماسه هایی از قبیل : حمله ی حیدری، حمله ی راجی، خداوند نامه و اردیبهشت نامه را که همگی در باب زندگی و غزوات پیامبر اعظم (ص) و حضرت علی (ع) هستند. این حماسه ها اغلب در باره ی رشادت های امیرالمومنین در جنگ هایی گاه تاریخی و گاه خیالی است. و نیز مختارنامه که در باب قیام مختار ثقفی بر خون خواهی حضرت امام حسین (ع) و یاران وفادارشان می باشد. البته چنان که گفته شد در برخی از این اثر ها به دلیل علاقه ی شدید شیعیان به حضرت علی (ع) گاهی اغراق ها، غلو ها و گاه داستان پردازی های غیر واقع نیز صورت گرفته است که کاملاً از هم تفکیک خواهند شد. از بین این آثار نیز به علت

کثرت آن‌ها دو اثر مهم حیدری راجی و خاوران نامه ابن حسام خوسفی مد نظر ما در نگارش پایان‌نامه می‌باشد.

ج) دوره‌ی بعد از انقلاب اسلامی؛

که در واقع دوره‌ی نوینی در باب شکل‌گیری حماسه‌های دینی در قالب‌های غزل، دو بیتی، قصیده و مثنوی است. شاید بتوان این کار را هم انقلابی تازه در نظر آورد. در این دوره است که نماد‌های ملی - میهنی در کنار نمادهای مذهبی و انقلابی، سیری مسالمت‌آمیز و متفاوت را در پیش می‌گیرند. از میان حماسه‌های موجود در این دوره ما «شاهد نامه یا پژواکی از حماسه‌ی هشت سال دفاع مقدس» را انتخاب کرده ایم، که اثری است به تقلید از شاهنامه فردوسی اما با مضمونی دل‌انگیز از رشادت‌های دلیر مردان جبهه‌های جنگ و عملیات‌های مختلف در طول جنگ تحمیلی است که شاعر شاهد همه‌ی آن‌ها بوده است. در واقع می‌توان مژده‌ای برای تحول حماسه‌سرایی در دوران بعد از انقلاب و خصوصاً بعد از دفاع مقدس را داد که خود جای نقد و بررسی فراوانی را می‌طلبد. شاعران نکته‌سنجی چون نصرا.. مردانی، حسن حسینی، شفیعی کدکنی و موسوی گرمارودی، نوع حماسه را که از ادب غنایی سرچشمه گرفته بود، دوباره به سرچشمه برگردانده و فصلی تازه را سروده‌اند. و از این میان شاهد نامه سرتیب بهمن کرمی در بحر متقارب خود اثری شگرف به شمار می‌رود.

سوالات تحقیق

- الف) مهمترین حماسه‌های دینی در ادب فارسی کدامند و دلیل این اهمیت در چیست؟
- ب) چرا شاعران حماسه پرداز پس از شاهنامه و روی کار آمدن حکومت غیر ایرانی به حماسه دینی روی آوردند؟
- ج) خصایص اصلی حماسه‌های مذکور در چیست؟
- د) دلایل سیاسی - اجتماعی پیدایش و رشد حماسه‌های دینی کدامند؟
- ه) وجوه اشتراک و افتراق حماسه‌های دینی و تاریخی در چیست؟
- و) اثرات مثبت و منفی حماسه‌های دینی در جامعه چیست؟
- ز) تفاوت حماسه‌های بعد از انقلاب اسلامی - مخصوصاً شاهد نامه - با سایر حماسه‌ها در چیست؟

شناخت اسطوره و حماسه

اسطوره پهنه « نمادها » است. چهره ها و رویدادها در اسطوره نمادین هستند. چهره ها و رویدادهای راستین و تاریخی در هم فشرده می شوند، با هم در می آمیزند، از پیکره و هنجار آغازین خویش بدین گونه دور می شوند، تا سرانجام نهادها پدید می آیند. به عبارت دیگر، می توان گفت: اسطوره تاریخی است که درونی شده است، راه به ژرفاهای نهاد مردم برده است، « ناخودآگاه » شده است. آنچه در « خودآگاه » مردمی در طول زندگی آن مردم می گذشته « تاریخ » آن مردم است و آنچه از تاریخ در ناخودآگاه آن رسوب کرده است، اسطوره ی آنان را می سازد، چهره ها و رویدادهایی که واقعی و رازآلود بوده اند، در ناخودآگاه آدمی غلتیده و به « نمادهای اسطوره ای » تبدیل می شوند. (ر.ک. پژوهشی در اساطیر ایران و شناخت اسطوره و حماسه) اسطوره طرحی از ابتدا تا انتهای هستی ترسیم می کند و خویشکاری آدمیان و عناصر دیگر سازنده ی روایت خود را آشکار می سازد

تعریف اسطوره

تعریف جامعه و مانعی از اسطوره نشده است، اما تعریفی که از دیگر تعریف ها کمتر دارای نقص است این است که: « اسطوره نقل کننده سرگذشت قدسی و مینوی است ». (الیاده، ۱۳۶۲:ص ۱۴) به بیان دیگر اسطوره حکایت می کند که: «چگونه از دولت سر و به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی پا به عرصه وجود نهاده است ». (همان) همچنین گفته اند اسطوره قصه گونه ایی است، که طی توالی نسل های انسانی در افواه نقل می شود، منشأ پدیده های طبیعت و همچنین آیین ها و عقاید موروث را به نحوی غالباً ساده لوحانه تبیین می کند و دخالت قوای مافوق طبیعت را در امور طبیعی و انسانی همراه با اسباب پیدایش دگرگونی هایی که بر اثر این دخالت ها در احوال عالم حاصل می آید، به بیان می آورد.

اسطوره قصه ای است که ناظر به توجیه واقعیات طبیعی از طریق تبیین رابطه موهوم بین آن ها با قوای مافوق طبیعی و مربوط به عالم تاریخ نیست. در احوال آن ها مرز بین تاریخ و افسانه چنان در تحول است که گاه یک انسان تاریخی و متعلق به زمان عینی تبدیل به موجودی اسطوره ای و متعلق به زمان ذهنی می گردد و در توجیه پیدایش پدیده ها و آیین ها و در تبیین ادوار و دگرگونی ها نقشی پیدا می کند که با نقش

نیروهای تشخیص یافته ماورای طبیعت تفاوتی ندارد. (زرین کوب، ۱۳۷۵:ص ۴۰۴) مهم ترین کارکرد اسطوره کشف فعالیت های با معنی انسان ها - مانند تغذیه و زناشویی و کار و تربیت و هنر- است.

جهان بینی اسطوره ای

نگرش انسان نسبت به جهان و انسان و رابطه میان انسان و جهان و رابطه علی و معلولی در نظام هستی را جهان بینی گویند. قدیم ترین جهان بینی اسطوره ای است که بر جهان بینی های فلسفی و علمی که بعدها به ترتیب نضج یافتند، پیشی زمانی دارد. زیرا جهان بینی های اخیر مربوط به دوران رشد و بلوغ نسبی اندیشه انسان است در صورتی که جهان بینی اسطوره ای مربوط است به دورانی که اندیشه آدمی دوران کودکی خود را سپری می کرد.

« اسطوره در گسترده ترین معنای آن، گونه ای جهان بینی باستانی است. آنچه اسطوره را می سازد، یافته ها و دستاوردهای انسان دیرینه است. تلاش های انسان آغازین و اسطوره ای در شناخت خود و جهان و کوشش های وی در گزارش جهان و انسان، دبستان جهان شناختی را پدید آورده است که آن را اسطوره می خوانیم.» (کزازی، ۱۳۷۶:ص ۶)

در جهان بینی اساطیری، بشریت هنوز به علل رویدادها دست نیافته است، اما همین قدر می داند که باید علتی در پیدایش رویدادها موثر باشد، از این رو خود به کشف عللی موهوم دست می یابد تا روند رویدادها را توجیه کند. در این نگرش، جهان و ماوراء آن در پیوندی همیشگی با یکدیگراند، اما این پیوند تابع توجیه علمی نیست و زمان و مکان نیز در این پیوند نقشی ندارند.

« از این جاست که در اسطوره دنیای عینی و ذهنی به هم می آمیزد، زمان واقع عینیت خود را از دست می دهد و به زمان ذهنی تبدیل می یابد، الهه به صورت انسان در می آید و انسان قدرت های غیر عینی را که اسطوره به حوادث مینوی منسوب می دارد از خود نشان می دهد، ارواح مینوی، عالم تاریخ و عرصه زمان عینی را اشغال می کند.» (زرین کوب، ۱۳۷۵، ص ۴)

در مورد جهان بینی اسطوره ای باید گفت که با پیشرفت بشر، نگرش های فلسفی و علمی کم کم جای نگرش اساطیری را گرفتند و باورهای خرافی ارزش خود را از دست دادند و به اسطوره تبدیل شدند و زبان آن ها نیز از صورت و حقیقت به رمز و نماد تغییر یافت.

اقسام اسطوره

اسطوره ها را به دو گونه زیر تقسیم کرده اند :

۱- اسطوره های نیایشی : این اسطوره ها زاییده ناآگاهی و کودک صفتی انسان های اولیه بوده است که رویدادها را به موجوداتی مینوی و فراج جهانی پیوند می دادند. باور به الهه های گوناگون در جوامع کهن زاییده این نگرش بوده است.

۲- اسطوره های ستایشی : بشریت برای دستیابی به آرمان ها و آرزوهایش، ابزار را جزو آرمان هایش می دانست، از این رو چون در عالم واقع به آن ها دست نمی یافت در عالم خیال موجوداتی صرفا خیالی مانند سیمرغ، قالیچه حضرت سلیمان و... می آفریدند، یا موجوداتی آمیخته به حقیقت و تخیل می آفریدند تا آرمان هایشان را در وجود آن ها تحقق یافته ببینند، مانند زال پرورده سیمرغ، اسفندیار رویین تن، رستم دستان و مانده های آن ها که این اسطوره ها را ستایشی می نامند.

ویژگی اساطیر

اسطوره تلاشی برای بیان واقعیت های پیرامونی با امور فراطبیعی است. انسان در تبیین پدیده هایی که به علتشان واقف نبوده به تعبیرات فراطبیعی روی آورده و این زمانی است که هنوز دانش بشری توجیه کننده حوادث پیرامونی اش نیست. به عبارت دیگر، انسان در تلاش ایجاد صلحی روحی، میان طبیعت و خودش، اسطوره ها را خلق کرده است. اسطوره ها دارای ویژگی های خاصی هستند از جمله:

الف) حوادثی که در اسطوره نقل می شود همچون داستان واقعی تلقی می گردد، زیرا به واقعیت ها برگشت داده می شود و همیشه منطقی را دنبال می کند. اسطوره گاهی به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می کند، اما آنچه در این روایت ها مهم است، صحت تاریخی آن ها نیست، بلکه مفهومی است که شرح این داستان ها برای معتقدان آن ها در بردارد. (آموزگار، ۱۳۷۶، ص ۴)

ب) در بینش اساطیری، اصل علیت ارزش و اعتبار خود را از دست می دهد و هر چیزی ممکن است از هر چیز دیگر پدید آید، بدون توجه به سنخیت بین علت و معلول. جهان ممکن است از جسم حیوانی به وجود آید و بوسه ای موجب پیدایش مار بر دوش انسانی ضحاک گردد.

ج) ویژگی عمده اساطیر ایران ثنویت است. تقابل میان خیر و شر به ستیزی دراز دامن بین نیروهای خودی و بیگانه می انجامد که سرانجام پیروزی از آن خیر است.

در اسطوره آفرینش ستیز میان اورمزد و اهریمن در می گیرد. در هزاره اول اورمزد به اهریمن پیشنهاد می کند که آفرینش او را به رسمیت بشناسد، ولی اهریمن از این کار خودداری می کند. اورمزد برای تحلیل بردن نیروهای اهریمن به او پیشنهاد می کند تا نبرد را برای نه هزار سال متوقف کند و اهریمن این آتش بس را می پذیرد، سپس اهریمن بیهوش می شود و اورمزد آفرینش جهان مادی را آغاز می کند. (همان)

در سه هزار سال اول جهان غیر مادی و غیر متحرک است و از دو هستی سخن به میان می آید: یکی جهان متعلق به اورمزد که پر از نور است و دیگری جهان متعلق به اهریمن که پر از بدی هاست و تاریکی. (همان)

فلسفه وجودی اساطیر

با توجه به آن چه گفته شد، می توان گفت که فلسفه ی وجودی اساطیر عبارتند در موارد زیر:

الف) اسطوره واکنشی است از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی ها و ضعف های او در برآوردن آرزوها، و ترس او از پیشامد حوادث غیر مترقبه. مثلاً در اسطوره های ایرانی دغدغه مرگ و هراس از نیستی همواره مطرح است و ذهن چاره گر این قوم برای مقابله با آن، راه ها اندیشیده است. عمر چندین صدساله رستم و از او بیشتر زال، بی مرگی غالب قهرمانان و شاهان نیکوکار، اعتقاد به موعودهای زردشتی، اندیشه تناسخ و حلول، همه حاکی از این حقیقت است که این قوم در لحظه های خاص برای ادامه حیات ذهنی خویش بدان ها پناه برده است.

ب) اسطوره تجسم احساسات آدمیان است به گونه ای ناخودآگاه برای تقلیل گرفتاری ها و یا اعتراض به اموری که برایشان نامطلوب و غیر عادلانه است.

ج) اسطوره همچنین نشانه ای است از ناآگاهی بشر از علل واقعی حوادث. انسان به پیروی از تخیل خود برای رویدادها علت و انگیزه می تراشد و به این ترتیب تخیل را با واقعیت پیوند می دهد. (همان، ص ۴-۵)

اسطوره ی آفرینش در فرهنگ های مختلف ریشه در این نیاز غریزی بشر دارد.

انسان محدود با پناه بردن به اساطیر می کوشد به بیکرانگی کیهان راهی باز کند و نه در عالم واقع که در عالم اندیشه جهانی مطلوب بیافریند. اینجانست که دنیای اساطیر دنیایی است خواستنی و پر از تعالی و پیروزی و حال آن که دنیای واقعی دنیایی است پر از ناکامی و شکست و تاریکی و انباشته از تجربه های ناگوار.

هنگامی که آدمی پدیده های طبیعی و جریان واقعی تاریخ را ناساز و بداندام می بیند و برایش از آنچه هست جز ناکامی و شکست به بار نمی آید، با خود می اندیشد و طرحی نو می افکند. اغلب قصه های عامیانه و منظومه های حماسی و افسانه ها که از شاخه های اساطیر به شمار می آیند آینه تمام نمای روان آدمی یا جلوه خاطرات و تجارب دوران کودکی نوعی بشر است. به اعتقاد «رانک» اساطیر رویای جمعی مردمان است. (یاحقی، ص ۷۸۶)

زبان اسطوره

زبان اسطوره رمزی و تمثیلی است و شاعر می تواند با زبان حقیقت نهفته های قلبی خود را بیان کند و با این زبان رمزی و نمادین سر دلبران را در حدیث دیگران بیان می کند. « در اسطوره ها نوعی زبان سمبلیک به کار گرفته می شود و در واقع، من های فردی مطرح شده در اساطیر رمز و رازهایی است که می توان به صورت گوناگون نمایان کرد ». (همان)

اسطوره یکی از خصوصیات روان آدمی است. اشیاء جان می گیرند، درخت به سخن می آید، ستاره لب به شکایت می گشاید و مجسمه می خروشد و فغان بر می دارد. این انتقال ذهنی زمانی صورت می گیرد که شاعر برای گفتن تمامی آنچه احساس می کند مجال نمی یابد، از این رو به رمزگویی و نمادین گرایی روی می آورد.

خود اسطوره پردازان و تدوین کنندگان اساطیر به این نکته توجه داشته اند. از این رو حکیم فرزانه توس

می گوید :

تو این را دروغ و فسانه مدان	به رنگ فسون و بهانه مدان
از او هر چه اندر خورد با خرد	دگر بر ره رمز و معنی برد

(شاهنامه، چاپ مسکو، ج ۱، ص ۲۱)

پس تحقیق در حقیقی بودن یا نبودن تصویر اساطیری در عالم ادب و هنر مناسبتی ندارد، آنچه در این رشته می تواند روشنگر باشد این است که تصویر اساطیر به منظور افاده ی چه نکته ای به کار رفته است. (عبادیان، ۱۳۶۹: ص ۲۱)

هنگامی که اسطوره نوعی نگرش و جهان بینی نسبت به هستی بود، زبان آن، زبان حقیقی بود، ولی از زمانی که باور دینی نسبت به اساطیر کاهش یافت و اندیشه مندان در درستی آن باورها به عنوان باور حقیقی و درست شک کردند، تفسیر رمزی و تمثیلی از اساطیر نضج گرفت. (پورنامداریان، ۱۳۶۴: ص ۴۴) مرز بین تاریخ و اسطوره همین زبان نمادین اسطوره است و وجه مشترک رویا و اسطوره نیز نمادین بودن هر دو است.

ماخذ اسطوره

اساطیر، داستان های پراکنده و نامنظمی هستند که وجدان جمعی مردم آن ها را آفریده است و آفریدگار خاصی ندارند. این افسانه های بی بنیاد وقتی که به صورت مجموعه ای مرتب و سامان یافته درآیند، زمینه پیدایش اسطوره را فراهم می آورند. ناقلان این داستان ها نیز انسان های بی نام و نشان هستند که ردپایی در تاریخ ندارند، اما چون وجدان جمعی مردم، آن ها را پرورده است، با افزایش به درونمایه های آن ها، این داستان ها از نسلی به نسل بعد منتقل می شوند و گذر ایام نه تنها آن ها را بی رمق و کم توان نمی کند، بلکه آنان را غنی تر و بارورتر می سازد.

اسطوره مشترک در نژاد هند و ایرانی

ملت هایی که منشأ واحدی دارند، دارای اساطیر مشترک هستند که ریشه اساطیر آن ها یکی است، ولی با تبدیل به گروه ها و اقوام مختلف تفاوت هایی در درونمایه ها نیز به وجود می آید، اما هم منشأ بودن این اساطیر، کاملاً از درونمایه ها و قهرمانان مشترکشان هویدا است.

از جمله ملت هایی که دارای اساطیر مشترک هستند، هند و ایران است. آن ها در حدود سه هزار سال پیش از نژاد هند و اروپایی جدا شدند، اساطیر و باورهای مشترک داشتند، مشابهت فراوان میان درونمایه و نام قهرمانان دو کتاب اسطوره ای آن ها، یعنی ودا و اوستا این خویشاوندی را ثابت می کند. (صفا، ۱۳۶۳: ص ۲۳)